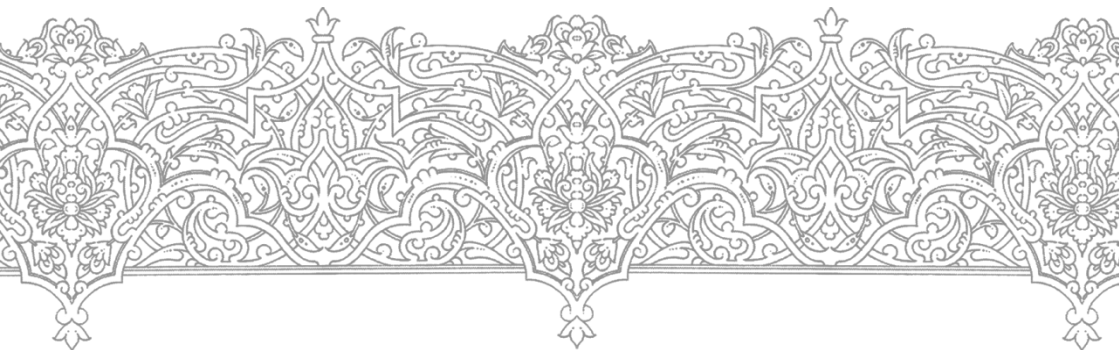


علل افراطی گری و راه کارهای مقابله با آن

افراط‌گری در مسأله تقرب بین شیعه و اهل سنت

میثم صفری



واژه شناسی :

مقصود از شیعه: کسانی که اعتقاد به وصایت و خلافت بلافصل امام علی علیه السلام و امامت بالنص ائمه اطهار علیهم السلام تا حضرت مهدی علیه السلام دارند (لذا مقصود شیعه زیدی، اسماعیلی، علوی، دروزی، و حتی شیعه سلفی نیست)

مقصود از اهل سنت:

نگاه حداکثری: هر کس خلافت شیخین را پذیرفته باشد سنی می باشد .
نگاه حداقلی (قول مشهور بین اهل سنت): هر کسی اعتقاد نامه احمد بن حنبل را بپذیرد اهل سنت است لذا طبق این تعریف معتزله را سنی نمی خوانند .

افراط و اعتدال :

افراط گری را باید طبق تعاریف مشهور و مقبول بین همان مذهب بررسی کرد مثلا نمی توان شیعیان زیدی را بخاطر برخی از تضادهای اعتقادی یا فقهی با شیعه اثنی عشری و یا معتزله را بخاطر عقل گرایی با بقیه اهل سنت متهم به افراط گری کرد .

لذا مقصود از افراط گری منحرف شدن از اصول و مبانی در مذهب شیعه اثنی عشری و اهل سنت می باشد. در ابتدا برای شناخت افراط و تفریط، باید ملاکها و معیار های اصلی را بررسی کرد و سپس مذاهب و اشخاص را با آن تطبیق داد نه اینکه افراد و افعال افراطی را به عنوان محور پذیرفت و بعد برای آن دنبال دلیل و استدلال بود .

افراط و تفریط نسبی یا مطلق است؟

افراط و تفریط دائما مذموم بوده و نمی توان گفت در زمان یا مکان خاصی افراط و تفریط ممدوح می باشد اما برخی از افعال در شرایط زمانی و مکانی خاص مصداق افراط گری می باشد و در شرایط دیگر نه مسائلی مثل سب و توهین که مصداق افراط گری می باشد مذموم است و شرایط زمانی و مکانی دخالتی در آن ندارد چه در مناطق مشترک و چه در جایی که هیچ مخالفی وجود ندارد این عمل مذمومی می باشد. اما در برخی موارد نیز شرایط مکانی و زمانی تاثیر گذار است مثلا بیان برخی از عقاید خاصه شیعه مثل برگزاری شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در میان شیعیان پسندیده اما در میان اهل سنت مصداق افراط گری باشد .

علل افراط‌گری

اصبح بن نباته نزد امام علی علیه السلام رفت و از اختلاف بین شیعیان سوال پرسید امام علیه السلام فرمودند که دین خداوند توسط مردم شناخته نمی شود بلکه به نشانه های حق شناخته می شود باید حق را خوب شناخت تا اینکه قدرت شناخت اهل حق را پیدا کنی (حضرت در دنباله یکی از نشانه های حق را بیان می فرمایند) حق نیکوترین سخن است، و هر کس آن را آشکارا بگوید مجاهد است.^۱

شخصی دیگر نزد امام علی علیه السلام آمد در مورد طلحه و زبیر و عایشه پرسید که آنها ادعای حق بودن می کنند امام علی علیه السلام فرمودند ای حارث اگر فقط نگاهت به زیر پایت باشد و بالای سرت را نبینی نسبت به حق جزئی نگر شده ای زیرا که حق و باطل با مردم شناخته نمی شوند بلکه حق را از طریق کسانی که در عمل، از حق پیروی و از باطل اجتناب می کنند می کنند باید شناخت^۲

این احادیث، اصلی را به ما می رساند که برای تشخیص حق از باطل معیار و ملاک حق و باطل را باید دانست و اشخاص را با آن سنجید نه اینکه بدون ملاک و معیار اشخاص و پیش فرض های ذهنی خود را داشته و برای اثباتش رو به استدلال تراشی آوریم.

بنابراین تقلید و تبعیت کورکورانه از اشخاص و عقیده های خاص بدون پشتوانه یکی از علت‌های افراط‌گری می باشد.

هوای نفس

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه ریشه اختلافات را امر مذهبی نمی داند می فرماید همه شما بر دین خدا برادر می باشید و خبائثت‌های باطنی و بد طینتی، شما را از همدیگر جدا می کند^۳

مقصود بسیاری از شبکه های معلوم الحال دفاع از حق و القاء بصیرت به جامعه نمی باشد بلکه به دنبال سرکوب و شکست مخاطب به هر روش و اثبات منیّت و لذت نفسانی خودشان می باشد .

عمده دلیل کسانی که در دام افراط‌گری می افتند خروج از خدامحوری و ورود به خود محوری می باشد.

^۱ وسائل الشیعه؛ ج ۲۷؛ ص ۱۲۵ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشریعه، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق. عن الأصمغ بن نباته عن أمير المؤمنين عليه السلام في حديث أنه سئل عن اختلاف الشيعة - فقال إن دين الله لا يُعرف بالرجال بل بأية الحق فأعرف الحق تعرف أهله إن الحق أحسن الحديث والصادق به مجاهد

^۲ الأمالي (للطوسي)؛ النص؛ ص ۱۲۴ طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسي)، ۱ جلد، دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق. دَخَلَ الْحَارِثُ بْنُ حَوْطٍ الْبَلْبَئِيُّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا أَرَى طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ وَ عَائِشَةَ أَحْتَجُّوا إِلَيَّ عَلَى حَقِّ فَقَالَ: يَا حَارِثُ، إِنَّكَ إِن نَظَرْتَ تَحْتَكَ وَ لَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ حَزَتْ عَنِ الْحَقِّ، إِنَّ الْحَقَّ وَ الْبَاطِلَ لَا يُعْرَفَانِ بِالنَّاسِ، وَ لَكِنْ اعْرِفِ الْحَقَّ بِاتِّبَاعِ مَنْ اتَّبَعَهُ، وَ الْبَاطِلَ بِاجْتِنَابِ مَنْ اجْتَنَبَهُ.

^۳ الشریف الرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲

جهل

جهل از مهمترین و ریشه‌ای ترین علل افراط‌گری می باشد که مصادیق زیادی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود. همانگونه که علم نور است و جلوی بسیاری از انحرافات را می گیرد جهل ظلمت و تاریکی است و به افراط و یا تفریط می انجامد.

به فرموده امیرالمومنین علیه السلام جهل منشا افراط و تفریط می باشد: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا^۴

عدم شناخت شیعه و اهل سنت از یکدیگر

به همان اندازه که مذاهب اسلامی نسبت به یکدیگر شناخت پیدا کنند از افراط‌گری در امان می باشند اما اگر جهل میدان دار شد افراط‌گری رو به رشد می رود.

مثلا اگر اهل سنت، فکر کند شیعه برای مهر سجده می کند نه بر مهر، شیعه را مشرک و کافر می داند همچنین اگر شیعه تصور کند اهل سنت، دشمن ائمه اطهارند علیهم السلام و تمام روایات وارده علیه نواصب را بر اهل سنت تطبیق می کنند. بنابراین به همان اندازه که مذاهب اسلامی به صورت صحیح نسبت به یکدیگر شناخت پیدا کنند افراط‌گری از بین می‌رود.

شناخت مذاهب اسلامی از یکدیگر باعث تفکیک صحیح بین سلفیت و وهابیت و اهل سنت می شود وقتی هر سنی را سلفی و هر سلفی را وهابی ندانیم، مانع پیشرفت افراط‌گری شده‌ایم.

همچنین دوست از دشمن شناخته می شود. اما اگر هر سنی وهابی بنامیم خودمان باعث گسترش افراط‌گری شده‌ایم.

بعد از شناخت و تفکیک مذاهب اسلامی از گروه های افراطی، نگاه خصمانه به یکدیگر از بین می‌رود دیگر فعالیتهای فرهنگی، تبلیغی و چاپ کتبشان در چارچوب قوانین نظام اسلامی به راحتی انجام می‌گیرد و برخورد امنیتی با آن نمی‌شود کما اینکه در عربستان با کتب شیعه می‌شود و یا بعضا با کتب وسایتهای اهل سنت این برخوردها می‌شود.

باید شناخت مذاهب اسلامی از یکدیگر در بین عموم مردم به یک فرهنگ فراگیر تبدیل شود و می‌توان این فرهنگ را توسط بیان واقعیت‌ها و خاطرات شخصی از همدلی و همیاری شیعه و اهل سنت بایکدیگر و همچنین محبت آنها نسبت به اهل بیت علیهم السلام برای عموم مردم گفته شود.

^۴نهج البلاغه (للصباحی صالح)؛ ص ۴۷۹ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

دور بودن از نگاه های علمی و داوری بر اساس پیش فرضهای وهمی و احساسی

بخاطر دور بودن مذاهب اسلامی از یکدیگر و نشناختن یکدیگر شایعات بسیار زیادی که بعضا هیچ نسبتی با واقعیت ندارد علیه یکدیگر ساخته و جزء بدیهیات نزد افراد شده است .

مثلا برخی از افراتیون وهابی شایعه کرده اند که شیعه معتقد است نبوت حق امام علی علیه السلام بوده و العیاذ بالله جبرئیل در ابلاغ نبوت خطا کرده است لذا در تشهد نمازشان می گویند "خان الامین" و همچنین برخی پنداشته اند تخریب قبور ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع بخاطر دشمنی وهابیون با اهل بیت علیهم السلام می باشند لذا آنها را ناصبی تلقی کرده و حتی در احکام فقهی نیز فتوا به نجاست وهابیون می دهد در حالی که وهابی ها در بقیع و احد و ... صدها قبر از صحابه و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و ... تخریب کردند اولین قبری که خراب کردند قبر زید بن خطاب برادر خلیفه دوم می باشد بنابراین تخریب قبور نه بخاطر صاحب قبر بلکه بخاطر تفکری اشتباهی که نسبت به بناء بر قبور دارند انجام داده اند .

تفسیر غلط از تبری

تبری از اصول مذهب شیعه می باشد و به معنای اعلام برائت از شرک و کفر و دشمنان خدا و رسول و اهل بیت علیهم السلام می باشد و این اعلام برائت از بهترین اصول می باشد کما اینکه امام علی علیه السلام می فرماید:

مِفْتَاحُ الْخَيْرِ التَّبَرُّ مِنَ الشَّرِّ^۰

کلید هر خوبی تبری از هر بدی می باشد از بزرگترین مصادیق بدی ها خبائثتهای باطنی و شیطان رجیم می باشد و انسان باید هر روز بلکه هر لحظه تبری را در وجود خودش زنده نگه دارد اما متأسفانه عده ای تبری را در افراد و اشخاص خاصی منحصر کرده اند و این خود به افراط‌گری دامن زده شده است .

تبری از اعدای اهل بیت علیهم السلام است. نه از مسلمان و باید تبری شیعه از اهل سنت و بالعکس از یکدیگر و از رجال یکدیگر را به سمت تبری از ظالم برد.

اصول پنداشتن فروع

بسیاری از مباحث اختلافی جزء اصول بین مذاهب اسلامی نیست، مذاهب اسلامی در فروع اختلافاتی دارند همانطوری که در یک مذهب بین مجتهدین اختلاف وجود دارد اما در مسائل اصولی مثل توحید و

^۰ عیون الحکم و المواعظ (للیثی) ؛ ص ۴۸۸ لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ۱ جلد، دار الحدیث - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.

معاد و نبوت و حتی در کلیات فروعات مثل اصل نماز و روزه و خمس و زکات و حج و ... با هم مشترک می باشند .

اما وقتی جهل میدان دار شد بسیاری از مباحث فرعی و جزئی، اصل می شود و زمانیکه به عموم جامعه تزریق شود به افراط گری منجر می شود .

مطرح کردن مسائل اختلافی در سطح عوام جامعه

مسائل اختلافی بین مذاهب حق و مسلم است و نباید روی آن در پوش گذاشت و گوییم ما هیچ اختلافی نداریم زیرا همین درپوش گذاشتن به افراط گری منجر می شود بنابراین باید بحثها و کمسیونهای علمی بین علمای مذاهب اسلامی برای حل و فصل و بررسی این مسائل گذاشته شود که جایگاه این مباحث در عموم مردم و ماهواره ها نیست زیرا عوام جامعه که امروزه اسلحه به دست شده تفاوت بین بحث علمی و منطقی با غیر آن را نمی دهد اخلاق و رفتار علوی باید محور در روابط بین شیعه و اهل سنت باشد کما اینکه مقام معظم رهبری دام^{ظه} می فرمایند: ما افتخار می کنیم که پیرو مکتب اهل بیت هستیم، شیعه هستیم، پیرو امامت امیرالمؤمنین و خلافت بلافصل او هستیم؛ به این افتخار می کنیم، اما جای اثبات این مطلب کوچک و خیابان نیست؛ جای اثبات این گونه مطالب در میان اهل فن، در میان متخصصین و در میان نخبگان است. تازه بحث در این گونه موارد باید بحث کلامی و بحث منطقی باشد؛ بدگویی و عیبجویی و فحاشی و شمشیر بر روی هم کشیدن، کمک کردن به دشمنان اسلام است که هم دشمن شیعه و هم دشمن سنی هستند. ما این را به عنوان پرچم وحدت اسلامی در انقلاب اسلامی بلند کردیم. ملت ایران این را می خواهد، این را می گوید.^۶

مطرح کردن مساله امامت و دفاع از ولایت حق و مهم است اما باید محدوده آن مشخص شود. ما تا کجا باید از این حق مسلم دفاع کنیم؟ به نظرمی رسید مفهوم "امت و انسجام جامعه اسلامی" بر مفهوم «دفاع از ولایت» حاکم است و دفاع از حقانیت خلافت امام علی ع تا جایی است که بین امت اسلام تفرقه ایجاد نشود .

^۶ بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۷/۱/۱

امام حسن علیه السلام در صلح با معاویه می فرمایند ... معاویه با من در حق بودن نزاع می کند و من بخاطر مصلحت امت و حفظ خون امت آن را رها کردم^۷

امیرالمومنین علیه السلام در قضیه جنگ جمل می فرمایند: اگر ترس از تفرقه و اختلاف بین مسلمین نبود که مسلمانان به کفر و بی دینی برگردند و دین داشتن را عار بشمارند با تمام قدرت به میدان می آمدم و این وضعیت را تغییر می دادم و بیعت طلحه و زبیر را برای خودم می گرفتم^۸

یعنی دفاع از ولایت و وصایت امیرالمومنین علیه السلام تا جایی می باشد که ترس از تفرقه بین امت اسلام نباشد، بنابراین دفاع از ولایت نیز خط قرمز دارد. اگر تفرقه ایجاد شد، از ولایت هم نمی توان دفاع کرد.

امام علی علیه السلام در نامه به معاویه می فرمایند پدر شما وقتی که مردم با ابوبکر بیعت کردند پیش من آمد و گفت حق خلافت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله از آن شماست و دستت را جلو بیاور که من با شما بیعت کنم اما با وجود اصرار دائم پدرت به دو دلیل این کار را نکردم:

۱- نزدیک شدن مردم به کفر ۲- ترس از تفرقه بین مسلمین^۹

امام صادق علیه السلام مسلمین را ۷ دسته می کنند و می فرمایند برخی از مسلمین یک سهم از اسلام دارند و برخی دو سهم و برخی سه ... و برخی ۷ سهم دارند بنابراین نباید بار کسی که دو سهم دارد را بر کسی که یک سهم دارد حمل کرد همچنین حمل کردن سه سهم بر کسی که دو سهم دارد خطاست و ... بعد امام مثال می زند که شخصی که همسایه ای مسیحی داشت و او را به اسلام دعوت کرد او نیز قبول می کند شخص مسلمان اول سحر در منزل او می آید و می گوید لباس بپوش و وضو بگیر که به نماز رویم و بسیار نماز خواندند و او را نگه داشت تا ظهر و شب ... فردا که دوباره مسلمان در خانه نصرانی آمد وی گفت من انسان مسکین و دارای عیالم، برو برای این دین کسی را پیدا کن که از همه چیز فارغ باشد امام صادق علیه السلام فرمودند او را داخل چیزی کرد که از او خارجش کرد.

^۷ این مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)؛ ج ۴؛ ص ۳۴ این شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)؛ ج ۴، علامه - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.

^۸ الأملی (للمفید)؛ النص؛ ص ۱۵۵ مفید، محمد بن محمد، الأملی (للمفید)، ج ۱، کنگره شیخ مفید - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق. و إیم الله لو لا مخافة الفرقة بین المسلمین و أن یعودوا إلی الکفر و یعود الذین «برگرداندن دین، عارش مردن دین» لکننا قد غیرنا ذلک ما استطعنا و قد ولی ذلک ولاة و مصوا بسبیلهم و رد الله الأمر إلی و قد بایعنی هذان الرجلان طلحة و الزبیر فیمن بایعنی

^۹ وقمة صفین ص ۹۱ نصر بن مزاحم، ج ۱، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ و قد کان أبوک آتانی حین ولی الناس أباً بکر فقال أنت أحق بقدر محمد ص بهذا الأمر و أنا زعم لک بذلک علی من خالف علیک ایسقط یدک آتایکت فلم أقبل و أنت تعلم أن أباک قد کان قال ذلک و آراة حتی کنت أنا الذی آیتت لقرب عهد الناس بالکفر مخافة الفرقة بین اهل الإسلام.

در ادامه بحث امام صادق علیه السلام نحوه تبلیغ و ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام را به تمام شیعیان توصیه می کند که با اهل سنت بد رفتار نکنید زیرا که امارت بنی امیه با شمشیر و جور و ستم بود اما امامت ما اهل بیت با دوستی و الفت و وقار و تقیه و حسن معاشرت و ورع و اجتهاد است مردم را به دین و مذهبی که دارید با این افعال ترغیب کنید^{۱۰}

اینکه کسی به مذهب اهل بیت علیهم السلام نزدیک شود مطلوب است اما نه با تبلیغ مستقیم به مذهب بلکه با اصلاح گفتار و رفتار و کردار خود. طبق حدیث فوق اولاً کسانی که سهم بیشتری از اسلام دارند نباید کسانی که سهم کمتری دارند را از اسلام خارج بدانند بلکه امام علیه السلام می خواهند این ادبیات را ثابت کنند که مسلمان ضعیف و قوی داریم نه اینکه خط قرمزی کشیده شود که هر کس شرایط خاص داشته باشد مسلمان و بقیه کافرند.

حال که قوام امت بودن اهمیت بالایی دارد دستورات موکد از سوی ائمه اطهار علیهم السلام برای تقویت این جنبه در جامعه صادر شده که نکند عملی انجام دهید که ما اهل بیت را سرزنش کنند زیرا مردم بخاطر عمل زشت فرزند، پدر را سرزنش می کنند همیشه در مورد کسانی که از شما جدا شده اند مایه زینت ما اهل بیت باشید نه مایه زشتی ما، در میان آنها حاضر شوید و در نماز جماعتشان و تشییع جنازه هایشان شرکت کنید و همچنین از بیمارانشان عیادت و حقوقشان را رعایت کنید و نکند در کار خیری دیگران از شما سبقت گیرند به خدا قسم هیچ فعلی نزد خداوند محبوبتر از تقیه نیست^{۱۱}

دلالت این روایت بر تقیه مداراتی تمام است؛ زیرا جمله «کونوا» صیغه امر و دال بر وجوب است.

مطالبی از روایت استفاده می شود که عبارتند از:

۱. حضور در مجالس و مساجد و مدارا کردن و عیادت مریض ها و تشییع جنازه مردگان آنان مطلوب ائمه علیهم السلام بوده و مورد تأکید آنهاست.

۲. براساس این روایت مدارا کردن با اهل سنت و شرکت در مراسم عبادی - اخلاقی آنان، تقیه نامیده شده است. (با اینکه در این موارد خوف ضرر به جان و مال و ناموس وجود ندارد)

نداشتن قدرت مقابله یا تشخیصی عوامل تفرقه انداز

^{۱۰} الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۴۳ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. إِنَّ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ لَهُ سَهْمٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ سَهْمَانٌ وَ ... فَلَيْسَ يُتَبَعِي أَنْ يُحْمَلَ صَاحِبُ السَّهْمِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبٌ ... مَثَلًا إِنْ رَجُلًا كَانَ لَهُ جَارٌ وَ كَانَ نَصْرَانِيًّا فَدَعَاهُ إِلَى الْإِسْلَامِ ...

^{۱۱} الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۲۱۹ إِنَّا كُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعْبَرُونَ بِهِ فَإِنَّ وَدَّ السَّوءِ يُعْبَرُ وَالِدُهُ بِعَمَلِهِ

از مصادیق جهل که به افراط‌گری منجر می‌شود طرح مسائلی است که مذاهب دیگر نسبت به آن مسائل حساس می‌باشند مقام معظم رهبری^{۱۴} عزمی فرمایند: بد نیست من خاطره‌ای را برای شما نقل کنم؛ هرچند که به خیلی از دوستان هم این را گفته‌ام. امام یک‌وقت در اوایل انقلاب در سخنرانی‌هایشان از معاویه به صورت طعن‌آمیزی اسم می‌آوردند. شما می‌دانید که من مدتی را در بلوچستان بودم و با خیلی از علمای آنجا دوست نزدیک هستم. مردم و علمای سنی آن منطقه، معاویه را مقدس می‌دانند. به امام عرض کردم که در طرف شرق کشورمان، چند صد میلیون نفر معاویه را محترم می‌شمارند و او را خال المؤمنین می‌دانند البته بحق یا به ناحق آن، مربوط به جلسه‌ی بحث است یعنی مسلمانان هند، پاکستان، بنگلادش و افغانستان اغلب سنی حنفی‌اند؛ این‌ها معاویه را محترم می‌شمارند. امام گفتند عجب من نمی‌دانستم! من بعد از آن در طول این ده، یازده سال یک جمله‌ی طعن‌آمیز از امام راجع به معاویه نشنیدم. من خودم در نماز جمعه راجع به جنگ صفین و سایر جنگ‌های امیر المؤمنین صحبت می‌کنم؛ اما اهانت نمی‌کنم. تاریخ‌گویی، یک حرف است؛ اهانت، حرف دیگری است. تاریخ بیست و سه‌ساله‌ی بعد از رحلت پیامبر تا خلافت امیر المؤمنین، یک تاریخ قابل بررسی است؛ باید بررسی شود؛ اما در آن اهانت و جسارت به خلفا به‌هیچ‌وجه نباید باشد.^{۱۵}

جزئی‌نگری (کنار گذاشتن سیره پیامبر و ائمه اطهار: و عدم قدرت جمع بین احادیث)

برخی از کسانی که در دام افراط‌گری افتاده‌اند کسانی هستند که سیره ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} را در تعامل و تعایش با ادیان و مذاهب دیگر فراموش و یا تاویل کرده‌اند. البته آنها عمل خود را به روایاتی مستند می‌کنند که باید به اهل بدعت ناسزا و توهین کرد^{۱۶}. و یا غیر شیعه جهنمی می‌باشند^{۱۷} و یا روش ائمه لعن به رهبران اهل سنت بوده^{۱۸} یا احادیثی که نهی از نماز پشت سر اهل سنت می‌کند^{۱۹} بنابراین (سب و لعن مخالفین) را جزء وظایف دینیه خود می‌دانند.

۱۲ بیانات سال ۱۳۷۰ ۵۵۴ بیانات در دیدار با اعضای «گروه ویژه» و «گروه معارف اسلامی» صدای جمهوری اسلامی ایران ص: ۵۴۷
 ۱۳ بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۴۷؛ ص ۲۳۳ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ ۱۱۱ جلد، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. نحن معاشر بنی هاشم تأمر کثارتنا و صغارنا بسبهمَا و التَّبرَّاةَ مِنْهُمَا الكافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۳۷۵ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّيْبِ وَ الْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي فَأَطْهَرُوا التَّبرَّاةَ مِنْهُمُ وَ أَكْثَرُوا مِنْ سَبِّهِمْ
 ۱۴ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ ج ۲؛ ص ۴۷۳ قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۴ جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش.
 ۱۵ الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۳؛ ص ۳۴۲ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. لعن‌های زیارت عاشورا
 ۱۶ الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۳؛ ص ۳۷۳ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلْفَ الْمُخَالِفِينَ فَقَالَ مَا هُمْ عِنْدِي إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْجَدُرِ

غض نظر از اشکالات سندی که به اکثر احادیث فوق وارد است با بسیاری از احادیث دیگر مبنی بر نهی شدید از سب و ناسزا در تعارض می باشد که ندیده و یا نخواسته اند ببینند و یا قدرت جمع نداشته اند این افراد دچار جزئی نگری شده اند. شاید حدیثی مطابق میل آنها باشد گرچه صحیح اما باید نگاه جامع به معارف داشته باشیم و در کنار آن احادیث و آیات دیگر دیده شود تا دچار افراط‌گری نشویم .

شخصی به نام ابراهیم بن ابی محمود به امام رضا علیه السلام می گوید روایاتی از طرف مخالفین شما در فضائل امیرالمومنین علیه السلام و شما اهل بیت علیهم السلام نزد ما می باشد آیا به آنها اعتقاد داشته باشیم؟ امام رضا علیه السلام فرمودند ... مخالفین ما روایاتی را در فضائل ما جعل کرده اند که سه قسم می باشد ۱- برخی در شان و فضائل ما غلو کرده اند ۲- بعضی دیگر در امر ما کوتاهی کرده اند ۳- برخی از جعلیات تصریح به مثالب و معایب دشمنان ما کرده اند .

وقتی مردم احادیث غلو در شان ما می شنوند شیعیان ما را تکفیر می کنند و نسبت ربوبیت به ما می دهند وقتی احادیث تقصیر در حق ما را می شنوند به آن معتقد می شوند وقتی معایت دشمنان ما را می شنوند شروع به عیب گذاری بر ما می کنند و خداوند فرموده است که بت مشرکین را سب و توهین نکنید که آنها نیز جاهلانه خداوند را سب و توهین می کنند ... ای ابن ابی محمود از این روایت حفاظت کن که خیر دنیا و آخرت در آن جمع است^{۱۷}

ابن بابویه قمی در حاشیه می فرمایند: از این حدیث می توان استنباط کرد که ائمه اطهار علیهم السلام هیچ گاه تصریح به معایب و مثالب دشمنان‌شان نمی کردند .

حدیثی که در نهج البلاغه به صورت خلاصه و در کتاب تمام نهج البلاغه و کتاب وقعه صفین کامل آن آمده است به این شکل وارد شده:

حجر بن عدی و عمرو بن حمق از اصحاب امام علی علیه السلام در میان جنگ صفین اظهار براءت و لعن نسبت به اهل شام می کردند امام علی علیه السلام شخصی را به سوی این دو نفر فرستاد تا از این کارشان بازشان دارد آنها پیش امیرالمومنین علیه السلام آمدند و گفتند آیا ما حق نیستیم؟ حضرت فرمودند بله گفتند آیا آنها باطل نیستند؟ حضرت فرمودند بله، گفتند پس چرا ما را از ناسزاگویی منع می کنید حضرت فرمودند دوست

^{۱۷} قَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي مَحْمُودٍ قُلْتُ لِلرَّضَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ عِنْدَنَا أَخْبَارًا فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فَضْلِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ هِيَ مِنْ رِوَايَةِ مُخَالِفِيكُمْ... ثُمَّ قَالَ الرَّضَا يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ إِنَّ مُخَالِفِينَ وَضَعُوا أَخْبَارًا فِي فَضَائِلِنَا وَ جَلَّوْهَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ أَحَدُهَا الْعُلُوُّ وَ ثَانِيهَا التَّقْصِيرُ فِي أَمْرِنَا وَ ثَالِثُهَا التَّصْرِيحُ بِمُتَالِبِ أَعْدَائِنَا فَإِذَا سَمِعَ النَّاسُ الْعُلُوَّ فِينَا كَفَرُوا شَيْعَتَنَا وَ نَسَبُوهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا وَ إِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ اعْتَقَدُوهُ فِينَا وَ إِذَا سَمِعُوا مُتَالِبِ أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ فَلَبَّوْنَا بِأَسْمَائِنَا. عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۴ ابن بابویه، محمد بن علی، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ق.

ندارم که از ناسزاگویی و فحش دهندگان و لعن کنندگان باشید ولی اگر کارهای ناپسند آنها را تبیین کنید و حال آنها و سابقه شان را توصیف کنید کلامتان راستتر و موجه تر خواهد بود و چه نیکو می شود اگر به جای ناسزاگویی و لعنت فرستادن و بیزاری جستن از آنها به آنها بگویید: خدایا خون ما و آنها را از ریخته شدن حفظ کن و بین ما آشتی ایجاد کن و آنها را از این گمراهیشان نجات بده تا آنکه حق را نمی شناسد بشناسد و کسی که ستیزگی و دشمنی با حق می کند دست بردارد و بازگردد و اگر این کار را بکنید برای من محبوبتر و برای شما بهتر خواهد بود^{۱۸}

امام صادق علیه السلام نامه‌ای برای اصحابش نوشتند و دستور فرمودند که دائم به این نامه بادقت نگاه کنند و به آن متعهد شوند و عمل کنند و در مساجد و خانه هایشان آویزان کنند و هر گاه از نماز فارغ شدند این رساله را بخوانند :

از خداوند برای شما عافیت می طلبم و شما را به وقار و سکینه و حیا و ... توصیه می کنم همچنین به ملامطت و خوش رفتاری با اهل باطل و تحمل ستمها و ظلمهای آنها و هرگز با آنها دشمنی و نزاع نکنید ... با مردم به ملامطت و نیکی رفتار کنید و هرگز دشمنان خدا را که صدای شما را می شنوند ناسزا نکنید که این کار به سب خدا و اولیای خدا می انجامد و چه ظلمی نزد خدا بزرگتر اینکه سب خدا و اولیای خدا شوید^{۱۹}

علامه مجلسی در کتاب مرآت در حاشیه این روایت می فرماید: دو معنا می شود از این روایت برداشت کرد " حیث یسمعونکم" به فتح: جواز سب دشمنان خدا در خلوت اما در جلوی آنها تقیه باید کرد. " حیث یسمعونکم" به ضم: یعنی بر شما جایز نیست که به دشمنان خدا فحش دهید حتی اگر آنها به شما فحش دادند با این حال شما حق ندارید به رهبران آنها فحش دهید که اگر اینگونه شد شما مرتکب گناهی بزرگ شده اید و چه کسی ظلمی بزرگتر از اینکه کسی موجب ناسزا گفتن دیگران به خدا و اولیاء شود پس درنگ کنید درنگ کنید^{۲۰} و علامه مجلسی معنای دوم را انتخاب می کند

۱۸ نهج البلاغه (للصباحی صالح) ؛ ؛ ص ۳۲۳ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق. - وقعه صفین؛ النص؛ ص ۱۰۳ خَرَجَ حُجْرُ بْنُ عَبْدِ وَ عَمْرُو بْنُ النُّحْمِقِ يُطِهرَانِ التَّبْرَاءَةَ وَ اللُّعْنُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمَا عَلِيُّ «أَنْ كَفَا عَمَّا يُبَلِّغُنِي عَنْكُمَا» فَأَتِيَاهُ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَلَسْنَا مُجْتَمِعِينَ؟ قَالَ: «بَلَى»

۱۹ الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج ۸؛ ص ۴۰۱ الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج ۸؛ ص ۳۹۷ عن أبی عبد الله علیه السلام أنه كتب بهذه الرسالة إلى أصحابه و أمرهم بمدارستها و النظر فيها و تعاهدها و العمل بها و كانوا يضعونها فی مساجد بیوتهم فإذا فرغوا من الصلاة نظروا فيها؛ ... بسم الله الرحمن الرحيم أما بعد فاسألوا الله ربكم العافية؛ و عليكم بالدعة «۱» و الوقار و السكينة؛ و عليكم بالحياء و التنزه عما تنزه عنه الصالحون قبلكم؛ و عليكم بمعاملة أهل الباطل، تحمّلوا الصبیم منهم؛ و إياکم و مماخضتھم إياکم و سب أعداء الله حیث یسمعونکم

۲۰ آفی المرأة: «قوله علیه السلام: حیث یسمعونکم، بفتح الیاء، آی یسمعون منکم، بل سبوا أعداء الله فی الخلوات و فی مجامع المؤمنین. و یحتمل أن یقرأ بضم الیاء، یقال: أسمعہ، آی شتمہ، آی إن شتمتکم لا تستیوا أنتمھم

به امام صادق علیه السلام خبر رسید که یکی از اصحاب شما در مسجد دشمنانتان را به اسم وعلنی لعن می کند امام صادق علیه السلام فرمودند خدا لعنتش کند چه شده است او را، که به ما تعرض کرده است مگر خدا نفرموده است "وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ". امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند بتان آنها را سب نکنید زیرا که سب را به خودتان بر می گردانند^{۲۱}

نداشتن بصیرت و شناخت زمان

امام صادق علیه السلام فرمودند: الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَأَيْسُ^{۲۲} کسی که نسبت به زمان خودش عالم باشد شبهات نمی تواند بر او هجومه بیاورد یکی از عوامل مهم افراط گری در زمان ما به عدم بصیرت برمی گردد اینکه مقام معظم رهبری دامنه در مساله گروه های سلفی تکفیری فرمودند اینها دشمن اصلی ما نیستند بلکه دشمن اصلی صحنه گردانندگان این جریان می باشند تشخیص جبهه و اینکه آتش را بر سر چه کسی ریخته شود بسیار مهم و در نحوه برخورد و دوری از افراط گری تاثیر دارد .

اینکه برخی سلفی های تکفیری همایش برگزار می کنند به نام "الشیعه هم العدو فاحذروه" به این معنا که دشمن فقط شیعه می باشد و یا از طرف برخی از رسانه های دیگر بجای اینکه هزینه اصلی و اولویت اول در برخورد با دشمن را استکبار و استعمار بدانند به اختلافات مذهبی دامن زده و از دشمن اصلی غافل شده است. بنابراین عدم تشخیص دشمن اصلی و غیر اصلی و همچنین دشمن درجه اول و دوم موجب افراط گری می شود .

خصوصا در دوران آخر الزمان ما که دشمنان اسلام از هر جهت برای ریشه کن کردن اسلام با هم متحد شده اند باید مذاهب اسلامی همدیگر را تحمل کنند و با یکدیگر بر دشمن مشترک فائق آیند . امام صادق علیه السلام می فرمایند هر چه به دوران ظهور امام زمان علیه السلام نزدیک می شود تقیه شدید تر می شود^{۲۳}

دفاع غلط و اشتباه از اعتدال و مبارزه منفی با افراط گری

بعضا مدافعان وحدت و اعتدال به گونه ای با افراط گری مبارزه می کنند که از لوازم این مبارزه کنار گذاشتن برخی از عقاید خاصه مذهب می باشد . که موجب افراط گری می شود .

۲۱ اعتقادات الإمامیه (للمصدق) ؛ ؛ ص ۱۰۷ این بابویه، محمد بن علی، إعتقادات الإمامیه (للمصدق)، جلد، کنگره شیخ مفید - ایران ؛ قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ق. و قیل للمصداقی - علیه السلام؛ یا این رسول الله، إنا نری فی المسجد رجلاً یعلن بسبب أعدائکم و یسبهم

۲۲ الکافی (ط - الإسلامیة) ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۷

۲۳ الکافی (ط - الإسلامیة) ؛ ج ۲ ؛ ص ۲۲۰

کَلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ؛ ج ۹ ؛ ص ۱۸۳

آنها در مبارزه با افراط یا خود در دام افراط و یا تفریط می افتند بر این باورند دین عامل افراط‌گری می باشد و برای مبارزه با افراط‌گری باید دین را کنار گذاشت و به سکولار نزدیک شد و برای خود از دولت های سکولار شاهد می آورند و یا به از بین بردن جزئی از دین معتقدند و می گویند تمام مسائل اختلافی را از کتابها و اذهان پاک کرد. و تمام مذاهب اسلامی تبدیل به یک مذهب واحد شوند کما اینکه در صدر اسلام مذهبی نبود و یا قائل به پلورالیسم دینی می شوند به این معنا که حقانیت را به تمام گرایشات می دهد حتی اگر تضاد داشته باشند.

اما در بین نظریات متفاوت برای تقریب مذاهب دو نظریه معقول تر می باشد :

برخی راه تقریب و اعتدال و مبارزه با افراط‌گری را بر اساس ضرورت و وجود دشمن مشترک می دانند، و می گویند چون مورد هجوم دشمن مشترک هستیم با هم کنار بیاییم. گرچه می توان اشکال کرد که در صورت نبود دشمن مشترک آیا مذاهب اسلامی باید دوباره به جان هم بیافتند؟ اما این نگاه را می توان نگاه حداقلی به مسأله اعتدال در مذاهب دانست.

راه حل آخر، راه حل قرآنی که امت اسلامی را امت واحده خوانده است "ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون" لذا تقریب مذاهب و وحدت یک اصل قرآنی است برای رسیدن به یک تمدن واحد اسلامی که امت واحده باشد نه اصلی مقطعی و تاکتیکی و مبتنی بر ضرورت زمان. به این معنا که مذاهب اسلامی در بسیاری از اصول با هم مشترک می باشند مثلاً در مسأله قرآن وحدت حقیقی و اعتقادی است و ربطی به تاکتیک و دشمن مشترک ندارد.

راه کارهای مقابله با افراط‌گری

ترویج و تبلیغ سیره عملی اهل بیت علیهم السلام

احادیث بسیار زیادی در نحوه تعامل و تعایش با اهل سنت وارد شده است که به تعدادی از آن اشاره شد و می توان گفت از مهمترین روش های تعدیل افراط‌گری همین روشنگری روش اهل بیت علیهم السلام با مخالفین حتی معاندین می باشد. برای مثال امام علی علیه السلام نسبت به گروه افراطی خوارج می فرماید لَا تُقَاتِلُوا الْخَوَارِجَ بَعْدِي فَلَيْسَ مِنْهُنَّ طَلَبُ الْحَقِّ فَأَخْطَاهُ كَمَنْ طَلَبَ الْبَاطِلَ فَأَذْرَكَهُ^{۳۴} کسی حق ندارد آنها را تکفیر و بکشد.

^{۳۴} نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛؛ ص ۹۴ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

تبلیغ عملی و چهره به چهره

امام صادق علیه السلام می فرمایند بدون زبانتان تبلیغ کنید تا اینکه ورع و سعی و تلاش و عبادت و خیر و خوبی را از شما ببینند و این تبلیغ حقیقی می باشد همانطور که امام صادق علیه السلام فرمودند: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَسْنَتِكُمْ؛ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِحْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ»^{۲۵}

این رفتارها بسیاری از شبهه ها را از بین می برد و باعث از بین رفتن افراط گری در بین مذاهب می شود. تبلیغ عملی و زینت بودن برای اهل بیت علیهم السلام که به گسترش عقل گرایی و اخلاق گرایی و ایجاد تمدن اسلامی کمک می کند، باید جایگزین تبلیغ مستقیم و بی اخلاقی و دشمنی شود.

امام موسی صدر از الگوهای بسیار موفق در تبلیغ عملی و گسترش اعتدال و جلوگیری از افراط گری بود.

جایگاه تقیه در جلوگیری از افراط گری

تقیه اصل اسلامی و قرآنی می باشد که برای حفظ جان و ناموس و دین تشریح شده است کما اینکه آیه ۱۰۶ سوره نحل در رابطه با شکنجه عمار یاسر نازل شد: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ، یعنی: «هر کسی که سخن کفر بر زبان جاری سازد بعد از آن که اظهار ایمان کرده باشد، نه آن کسی که مجبور می شود و کفر می گوید ولی دل او در ایمان خود مطمئن و ثابت است. بل آن کسی که سخن کفر می گوید و عقده دلش از گفتن کفر باز می شود، بر آنها است خشم و غضب خدا و برای آنان شکنجه بزرگی در دوزخ مهیا است».

برخی از بزرگان و فقهای شیعه مثل امام خمینی ره و آیه الله خوئی ره تقیه مداراتی را بیان فرموده اند که ربطی به تقیه خوفی ندارد.

امام می فرمایند: تقیه مداراتی عبارت است از جلب دوستی مخالف، به سبب وحدت کلمه، بی آنکه ضرری ضاز سوی او، شخص را تهدید کند. شیخ مفید نیز فرموده است: تقیه منحصر به موارد خوف از ضرر نیست، بلکه گاهی تقیه به جهت اصلاح است که شامل تقیه مداراتی می شود^{۲۶}

^{۲۵} الکافی (ط - دارالحدیث)؛ ج ۳؛ ص ۲۰۲ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - دارالحدیث)، ۱۵ جلد، دار الحدیث - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۹ ق.

^{۲۶} الکافی (ط - الإسلامیة) / ج ۲ / ۲۱۷ / باب التقیة ص: ۲۱۷

هدف و حکمت تقیۀ مداراتی جلب محبت و مودت و وحدت کلمه مسلمانان و دوری از تفرقه و اختلاف است. کما اینکه احادیث بسیار زیادی در این موضوع وارد شده که به شیعیان امر به این نوع تقیه کرده‌اند: امام صادق علیه السلام فرمودند بخدا سوگند چیزی محبوبتر از خبء نزد خداوند عبادت نشده، عرض کردم خبء چیست؟ فرمودند: تقیه.

نقد عالمانه تفکر افراطی و با تحریفهای وارده در مذاهب اسلامی

برای اینکه ما افراط‌گری را از بین ببریم نباید خودمان در دام افراط‌گری بیافتیم با جریان افراط باید عادلانه برخورد کرد کما اینکه خداوند می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده: ۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

متأسفانه به بهانه مبارزه با افراط‌گری تهمتهای زیادی به یکدیگر زده می شود حتی برای نقد فرقه ضاله وهابیت نباید از عدالت خارج شد و تهمت های و امور غیر واقعی را به آنها نسبت داد و عادلانه و عالمانه آنها را نقد کرد .

بهترین راه درمان افراط‌گری درون مذهبی است باید علمای خود مذهب بنشینند و آسیب شناسی کنند مثلا ما باید بپذیریم که درون تشیع جریانی هست که جلوتر از اهل بیت علیهم السلام حرکت کرده و سعی کرده خود را شیعه واقعی جلوه دهد، اینها جعل احادیث هم کرده‌اند چون خودشان را شیعه واقعی می دانند مثل قرامطه که حجرالاسود را دزدیدند خود اهل بیت علیهم السلام می فرمودند اینها به ما نمی رسد.

برخی از راه‌های نامناسب به دنبال اثبات شیعه بوده اند بدون اینکه تاثیرات این حرکات را در سطح امت اسلامی بررسی کنند مثلا بسیاری از تفاسیر و تاویل‌ها که از سوی بزرگان و ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده را جزء قرآن پنداشتند و تحریف قرآن را نتیجه گرفتند. یا اینکه ائمه اطهار علیهم السلام را فقط شیعی و به گونه‌ای معرفی کنیم که کم کم بقیه مذاهب از این منبع معنوی دور شوند، غلط است در حالی که محبت به ائمه اطهار علیهم السلام از موارد مشترک و وحدت آفرین جهان اسلام است. امام حسین علیه السلام نه تنها به جهان اسلام

بلکه به تمام آزادمردان جهان تعلق دارد همانگونه که گاندی رهبر هند الگوی خود را در مبارزه با استعمار امام حسین علیه السلام بیان کرد.

شیعه معتقد است اگر بحث علمی و فارق از توهین و ناسزا در میان بزرگان مذاهب اسلامی باشد اعتدال به جای افراط‌گری می‌نشیند بنابراین می‌توان با وجود طرح مسائل اختلافی شدید در کنار یکدیگر با مسالمت زندگی کرد.

هشدار به افراطیون از حرکت مذاهب اسلامی به سمت افراط‌گری

شاید برخی از کسانی که به راحتی به مقدسات مذاهب سب و توهین می‌کنند به احادیث ضعیف استناد کرده و عقیده به عدم حرمت افعال و رفتارشان داشته باشند اما آیا هر امر جایزی را باید انجام داد؟ خصوصا وقتی که بحث خون و دماء مسلمین در میان است .

از خطرناکترین ثمرات افراط‌گری تشکیل گروه‌های افراطی در امت اسلام مثل سپاه صحابه و جهنگوی و طیه و ... می‌باشد که اینک امروزه شاهد کشته شدن ده‌ها هزار مسلمان به دست افراطیون هستیم که فلسفه شکل‌گیری و عملیات‌هایشان را مبارزه با شیعیان گفته‌اند لذا باید به این جریانها هشدار داده شود که در ریخته شدن خون بسیاری از شیعیان شریک می‌باشند . که اینک در حدیث قبلی از وجود مقدس امام رضا علیه السلام وارد شد که تصریح به مثال و معایب دشمنان اهل بیت علیهم السلام باعث تکفیر شیعیان امام رضا علیه السلام می‌شود .

شناخت شبهه و واکنش صحیح به شبهه

شناخت شبهه بسیار مهم است و اگر کسی شبهه را به درستی نفهمد در نحوه جواب دهی دچار افراط یا تفریط می‌شود مثلا مقاله‌ها نوشته می‌شود در جواب به مخالفت وهابیون با توسل و زیارت و این مخالفت با توسل را به دشمنی آنها با اهل بیت علیهم السلام مرتبط می‌کنیم و متاسفانه شعله افراط‌گری را برافروخته می‌کنیم در حالیکه اولاً وهابیت توسل و زیارت را مطلقاً رد نمی‌کنند و ثانياً مبنای مخالفت آنها با توسل به اموات ربطی به مخالفت با ائمه اطهار علیهم السلام ندارد .

تاکید بر تولیدات رسانه‌ای

متأسفانه دشمن در راستای شعله‌ور کردن آتش افراط‌گری بهترین برنامه‌ها را ساخته و می‌سازد اما دلسوزان برای مبارزه با افراط‌گری از این غالب استفاده لازم را نمی‌برند و برعکس بعضاً تولیداتی دارند که به فرقه‌گرایی دامن زده می‌شود. باید مستندهای رسانه‌ای مناسب و متناسب برای هر قشری تولید شود.

کار تشکیلاتی و نه فردی

وقتی قرآن برای جلوگیری از افراط‌گری دستور به اعتصام به حبل الله می‌دهد و **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا** آل عمران ۱۰۳ تأکید می‌کند که اعتصام به حبل الله باید جمعی باشد نه فرد فرد .

کارهای انفرادی برای جلوگیری از افراط‌گری زیاد انجام می‌گیرد اما مثمر ثمر نیست قرآن به ما دستور داده است که باید به صورت گروهی و جمعی این امر مهم را پیش ببرید. مثل پازل که هر کدام یکدیگر را کامل می‌کند نمی‌توان به هدف مقدس تقرب رسید الا اینکه امت اسلام وجهه امت بودنشان نمایان باشد.

گفتمان سازی به صورت خصوصی و عمومی

مبارزه با افراط‌گری باید به صورت قانون از طرف نظام به قوای مختلف ابلاغ شود، همچنین صدا و سیما و ظرفیتهای مجازی شروع به گفتمان سازی کنند و از جهت آموزشی در خواص (حوزویان و دانشگاهیان) به صورت ویژه و در عوام به صورت عمومی، فرهنگ فراگیر شود. بنابراین می‌بایست به عنوان کتاب درسی در مدارس آموزش و پرورش و همچنین حوزه و دانشگاه تدریس شود .

اما بهترین روش گفتمان‌سازی و فراگیر شدن اعتدال در جامعه، حرکت از پایین و بدنه مردم می‌باشد نهادهای مردمی نباید منتظر بخشنامه‌ها از طرف ارگانهای مسئول بمانند بلکه به صورت جمعی و تشکیلی حرکت‌های جامعی در مبارزه با افراط‌گری انجام دهند .

تاکید بر نگاه فرا مذهبی به انسان در تعامل و تعایش (نگاه انسانی)

بعد از رحلت پیامبر اعظم **صلی الله علیه و آله** و تشکیل سقیفه مشکلاتی در جهان اسلام پدید آمد. عمدتاً ولایت و امامت بلافصل امام علی **علیه السلام** را کنار گذاشته و با خلیفه وقت بیعت کردند لذا قطعاً نمی‌توان به انبوه جمعیتی که در آن زمان اعتقاد به وصایت منصوب و بلافصل امیرالمومنین **علیه السلام** نداشتند شیعه اطلاق کرد همچنین در زمان خلیفه دوم و سوم تعداد کسانی که اعتقاد راسخ به غدیر خم و وصایت منصوب و الهی حضرت امیر داشتند بسیار کم بودند تا اینکه بعد از قتل عثمان فرقه ای پدید آمد به نام عثمانیه که قتل خلیفه سوم را به گردن حضرت امیر **علیه السلام** انداختند و علناً شروع به مخالفت و مبارزه با حضرت امیر **علیه السلام** و

ائمہ اطہار علیہم السلام کردند اینها قائل به سه خلیفه شدند و خلیفه چهارم که حضرت باشد را قبول نکردند اوج این جریان در کربلا بود و تا زمان احمد بن حنبل به طول انجامید اما احمد بن حنبل نظریه تربیع را مطرح نمود و گفت سنی کسی است که به چهار خلیفه اعتقاد داشته باشد و کم کم سفره این گروه جمع شد .

در این دوران عثمانی اگر به کسی شیعه اطلاق می شد شیعه نه از باب اعتقاد به منصوص بودن وصایت حضرت امیر بلکه شیعه در مقابل عثمانی بود یعنی کسی که حضرت امیر را به عنوان خلیفه چهارم قبول کرده بود. سپاه امیرالمومنین عمدتاً از همین نوع شیعه بودند و یا کوفه و تا شاگردان حضرت صادق علیه السلام از همین نوع شیعه بودند یعنی اهل سنتی که نگاه مثبت به حضرت امیر علیه السلام داشتند و حضرت را به عنوان خلیفه چهارم قبول کرده بودند. با این حال مواجهه حضرت با آنها بسیار عبرت انگیز برای ما پیروان حضرت می باشد.

اینکه حضرت هر روز و شب به دنبال کمک به مردم و رسیدگی به حال فقرا و مساکین و زدن قنات و نخلستان و وقف آنها برای عموم قطعاً برای شیعیان اعتقادی نبود زیرا که آنها در اقلیت محض بودند بلکه برای همان مردمی بودند که حضرت را به عنوان خلیفه چهارم قبول داشتند و حتی برای کسانی که در این حد نیز حضرت را قبول نداشتند. وقتی نیز حضرت به حکومت رسید حدود ۵۲ کشور فعلی قلمرو حکومتی حضرت بود که بسیاری از کارگزاران حضرت از اهل سنت بود .

حضرت امیرالمومنین علیه السلام در نامه به مالک اشتر می فرماید: دلت را مالمال از رحمت و محبت و لطف نسبت به مردمان و رعیت قرار بده و هرگز نسبت به آنها مانند درنده نباش که خوردن آنها را غنیمت بدانی.

همانا مردم دو دسته اند: یا برادر دینی تو می باشند و یا در خلقت با تو برابرند^{۲۷}

توجیه مسئولینی که وارد منطقه می شوند

بسیاری از اوقات اختلافات و منشا افراطگری ، قومی و طایفه ای می باشد و در شهری که قوم و یا طایفه ای خاصی زندگی می کنند ولی مسئول آنجا از قوم و طایفه دیگر باشد آتش افراطگری طایفه گری برافروخته می شود و متأسفانه بعضاً به نام مذهب تمام می شود .

^{۲۷} نهج البلاغه (للصبحی صالح) ؛ ؛ ص ۴۲۷ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق. فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أُمَّةٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ يُفْرَطُ

یکی از عوامل افراط‌گری تبعیض‌های اجتماعی می باشد وقتی جوان بیکار باشد و از طرفی در اقلیت مذهبی و شهر و استانش را در فقر و بیکاری ببیند تمام این ضعف و نقصها را به حساب مذهب می گذارد و نسبت به حاکمیت و نظام تند می شود.

بنابراین اولاً نظام باید به این مناطق توجه داشته باشد و مسئولینی که در این مناطق نصب می شوند بدانند که تمام رفتار و کردارش به پای اصل نظام نوشته می شود. بنابراین چنین مسئولی که از طرف نظام در منطقه‌ای می باشد باید آنقدر نسبت به آداب و رسوم و اعتقادات مردم آن قوم توجه باشد که به اختلافات دامن نزند. نگاه مسئول در مناطق مختلط باید خدمت رسانی باشد نه نگاه فرقه‌ای و مذهبی کما اینکه امیرالمومنین علیه السلام خدماتی مثل چاه‌ها و قنات‌ها و ... داشتند و بلافاصله برای عموم مردم وقف می کردند. از طرف دیگر باید بخش خصوصی را فعال کرد و سرمایه داران را ترغیب برای سرمایه گذاری در مناطق ویژه کنند.

دولتی نبودن حرکت‌های تقریبی

یکی از دلایل اینکه اندیشه تقرب در جامعه جا نیفتاده این است که کار در حد یک کنفرانس وحدت برای برخی از چهره های تکراری بوده و برای عامه مردم فرهنگ نشده است. وقتی این حرکتها جواب می دهد این حرکت از حالت نمادین بودن در آمده و مثل مراسمات مذهبی در میان مردم تبلور کند و آن را گروه های مردم نهاد دست بگیرند.

بصیرت نسبت به زمان

شاید در دوره ها و زمانهای گذشته بخاطر نبود رسانه های مثل اینترنت و ماهواره، افراط‌گری ها اثرات گسترده ای نمی داشت اما امروزه که با گسترش فضاهای مجازی کوچکترین افراط‌گری بازتاب جهانی دارد و شرایط ملت‌هتبه جهان اسلام را بدتر می کند شناخت زمان عامل مهمی در مهار افراط‌گری باشد.

شاید کسی به امت واحده بودن جهان اسلام معتقد نباشد و فرقه گرایی برایش اهمیت زیادی داشته باشد اما نمی تواند شاهد گسترش مسلمان کشی بخاطر افراط‌گری حاصل از آن باشد لذا شناخت جهان بیرون از حیطه خود و اینکه جایگاه خودش را در جهان اسلام ببیند کمک بسیاری در کنترل و مهار افراط‌گری می کند و اینکه دنیای امروز متأسفانه فرقی بین گروه های افراطی چون داعش با اسلام ناب نمی گذارد تمام جریانهای افراطی را به پای اسلام ناب می گذارند.

امام علی علیه السلام بعد از جنگ با خوارج فرمودند من چشم فتنه را در آوردم و فقط هم من می توانستم این کار را بکنم. البته این بصیرت به ما کمک می کند که با هر جریان افراطی رفتار مناسب و متناسب با همان جریان نشان دهیم در برخورد با خوارج امام علی علیه السلام شدیداً تاکید داشتند که کسی اینها را نکشد زیرا که آنها به خطا رفته بودند اما امام حسین علیه السلام تا پای جان در جنگ با اهل بدعت ایستاد بنابراین با یک نوع نگاه و استراتژی نمی توان با هر افراطی مقابله کرد. زیرا که افراطگری ها متفاوت اند هیچ گاه نباید افراطگری سیاسی و یا اجتماعی را با افراطگری در امور مذهبی یکی بدانیم و مقابله با آن را یکسان بدانیم. خلط بین آنها نه تنها راه درمان را می بندد بلکه مشکلات بیشتری در مسیر حل افراطگری پدید می آورد.

عدم ورود از راه های تعبیدی

مثلاً بگوییم چون ولی فقیه دستور داده اند ما سب و توهین به مذاهب نمی کنیم زیرا که برخی از افراد هستند که مقلد نیستند و یا ولی فقیه را کلا و یا بصورت مطلقه قبول ندارند لذا نمی توان جملات امام و رهبری را ملاک برای مبارزه با افراطگری قرار داد گرچه کلید و راه گشای بسیار خوبی می باشد برای رسیدن به علل آنها .

مقام معظم رهبری دام عزده در مقابله با جریانهای افراطی به آیات و روایات تمسک کرده مثلاً ایشان در مشهد وقتی بحث داعش را بحث مطرح کردند، فرمودند دشمن اصلی ما این ها نیستند. یک عده انسان های جاهل و نادان می باشند همچنین از حیثه اسلام خارجشان نکردند. در ادامه کلامشان را به آیه قرآن مستدل کردند: **لَنْ بَسُطَ إِلَيْكَ يَدَاكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ** (مائده ۲۸) «اگر دست خود را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، من دستم را به سوی تو دراز نمی کنم تا تو را بکشم، چرا که من از خداوند، پروردگار جهانیان می ترسم.»

زیرا عامه مردم بین حکم فقهی (امام خمینی یا آیه الله شیرازی) تشخیص نمی دهند کدام صحیح و با واقع منطبق است کدام نیست .

بنابراین ولی فقیه بودن و یا مرجع تقلید بودن نمی تواند مانع افراطگری شود زیرا که استناد بسیاری از حرکت های به اصطلاح افراطی مستند به فتوای مرجع تقلید خودش می کند و یا برداشتی که مرجعش از فلان روایت کرده است .

باید ضرورت ایجاد تمدن اسلامی و خطرات فرقه‌گرایی ثابت شود و این نگاه به عنوان اصل اسلامی ثابت باشد و این ملاک است که تفکر امام خمینی را بر بقیه بزرگان ترجیح می‌دهد و گرنه اگر مستقیم وارد حدیث و فقه و حکم حکومتی شویم، قطعاً به مانع می‌رسیم زیرا که او نیز می‌گوید مرجع من فقیه و خلاف این فتوا را داده است.

اگر در مسأله مهم جهان اسلام از علما هم پیروی می‌شود، باید از آنها دلیل بخواهید. دلیلتان زیر فتوا باشد. هر چند طرف مقابلتان نخواند. از شیخ مفید چند سوال فقهی در شهری پرسیده‌اند، یک رساله علمی نوشته و فرستاده است. اینگونه که شد، بحث در استدلالها می‌رود. ولی بحث اگر سر فتوای یک خطی شد، بحث در عمل رخ می‌دهد. ولی ما باید بحث را به نظر بکشیم نه عمل. اثر کار عملی مثل قمه و لعن و ... به تمام جامعه و سرانجام به افراط می‌رسد.

نکته دیگر این که در مسائل فردی فوقش نظرات مجتهدین مجزی باشد. ولی به هر حال در مورد عملی که عمومی است و تاثیرش بیش از فرد بلکه اجتماعی است، حکم باید از ولی فقیه گرفته شود. آقا یک جواب استفتا دارند که قمه درست نیست. ولی یک حکم هم دارند که قمه زنی علنی و همراه با تظاهر، حرام و ممنوع است. شما می‌توانید به تقلید از مرجعتان فوقش مخفیانه قمه بزنید. ولی عمومی یا جایی که فیلمش گرفته می‌شود باید به حکم حرمت عمل کنید. ایشان می‌گویند فقهای سلف گفته‌اند اگر ضرر معتدّ به نداشته باشد قمه زدن حرام نیست، ولی آیا شهید شدن شیعیان، یا خراب کردن چهره تشیع یا... ضرر نیست؟

ریشه افراط‌گری اخلاقی است نه اعتقادی

ریشه بیشتر افراط‌گری‌ها در حوزه اخلاقیات می‌باشد به این معنا که برای لذائذ نفسانی برخی از اعمال را انجام می‌دهد با اینکه اصلاً کاری هم ندارد که این فعل ریشه اعتقادی دارد یا نه به بهانه‌های مذهبی و مبارزه با فلان عقیده و یا شخص شاید هم به هر گناهی آلوده شود لذا بیشترین آسیب‌هایی که به تمدن اسلامی و امت واحده می‌آید آسیب‌های رفتاری و نه اعتقادی می‌باشد.

تبیین دشمن مشترک

مذاهب اسلامی با هر گرایش فقهی، کلامی باید به این رشد و بلوغ رسیده باشند که استکبار و استعمار باصل و ریشه اسلام دشمن است نه با گرایشات مذهبی بلکه هر چه بر اختلافات مذهبی تاکید شود بنفع استکبار می‌باشد تمام فرق اسلامی، امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشند گرچه با هم اختلاف داشته باشند.

دستور به وحدت اسلامی بخاطر وجود دشمن مشترک نیست زیرا بر فرض نبود دشمن نیز باید مذاهب اسلامی با کمال ادب و مهربانی با یکدیگر تعامل داشته باشند .

آیا تاکید بر شهادت حضرت زهرا علیها السلام اشاعه افراط گری می باشد ؟

شهادت حضرت زهرا علیها السلام مساله تاریخی و درون مذهبی برای شیعیان می باشد اعتدال به معنای کنار گذاشتن اعتقادات خاص مذهب نیست که خود به افراط می انجامد. ما معتقد به شهادت حضرت زهرا علیها السلام می باشیم اما نباید قاتلین حضرت را در عموم اهل سنت امروز که آنها نیز محبت حضرت زهرا علیها السلام دارند جستجو کنیم. حضرت علی علیه السلام بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام منزوی از خلافت بودند، ولی در میان مردم، مسجد می رفتند و مشورت می دادند عموم مسلمین امروز جزو امت اسلام و اتباع خلفا می باشند اما بعضا مشاهده می شود که نگاه برخی به عموم اهل سنت نگاه خصمانه است و به دنبال انتقام حضرت زهرا علیها السلام می باشد.

مدافع حقیقی حریم حضرت زهرا علیها السلام امیرالمومنین علیه السلام بودند که خود علمدار وحدتند نه تنها با عوام مردم بلکه با خلفا بودند به آنها مشورت می دادند و حتی در قضیه خلیفه سوم حمایت کردند که او به قتل نرسد و باب خلیفه کشی در اسلام باز شود.

وقتی حضرت علی علیه السلام در مساله مهم خلافت و وصایت بخاطر اینکه بین مسلمین تفرقه ایجاد نشود کوتاه آمدند و هیچ عملی که باعث تفرقه بین امت اسلام بود را انجام ندادند و حاضر شدند سالها دست از حکومت ظاهری بکشند به طریق اولی حاضر نیستند مساله شهادت حضرت زهرا علیها السلام باعث تفرقه بین امت اسلام شود. امروزه امت ماهیت امت بودنش را از دست داده و فرقه گرایی باعث خونریزی های فراوان شده است.

اعتقاد اکثریت اتباع خلفا این است که خلفا در خدمت اسلام بوده اند و لذا به آنها حبّ دارند. اینگونه نیست که آنها این شخصیت ها را منفی بدانند و باز هم به آنها اعتقاد داشته باشند. از نظر آنان عمر دوست علی بوده نه دشمن ایشان.

ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم (انفال/46)



قال اميرالمؤمنين على عليه السلام:

انى اكره لكم ان تكونوا سبابين شتامين لغائبين
(تمام نهج البلاغه، ج 5 ص 98 و 99)



سماحة آية الله العظمى السيستاني:
خطابنا هو الدعوة الى الوحدة، وكنت
ولا ازال اقول لا تقولوا اخواننا السنة،
بل قولوا «أنفسنا أهل السنة»

سماحة الامام الخامنأى:

يحرم النيل من رموز إخواننا السنة فضلاً
عن اتهام زوج النبي بما يخل بشرفها بل
هذا الأمر ممنوع على نساء الأنبياء
وخصوصاً سيدهم الرسول الأعظم

سماحة الامام الخمينى:

لقد أمرنا الإسلام بوحدة الكلمة،
وان من يعمل على إثارة الفرقة
فهو خارج عن الإسلام

سماحة الإمام السيد موسى الصدر:
يكون الأساس هو التقارب
والفهم وليس الجدل ومحاولات
التغلب الكلامي

سماحة آية الله العظمى علامه
فضل الله: نحرم سب أمهات
المؤمنين والإساءة إليهنّ ونعتبره
مخالفاً للخط الإسلامي الأصيل

پیشوایان شیعه، پیشگامان وحدت



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده



واحد فرهنگى و آموزش
اتحاديه بين المللى امّت واحده
با همكارى مجله الكترونيكى اخوت
www.unified-ummah.com
www.okhowah.com